

مطالعه تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی

شیوه استناددهی: مظفری، افسانه، و حق‌شناسی، محمدامیر. (۱۴۰۵). مطالعه تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۴(۴)، ۲۳-۱.	تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۵ تاریخ چاپ اولیه: ۷ تیر ۱۴۰۵ تاریخ پذیرش: ۲ تیر ۱۴۰۵ تاریخ بازنگری: ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ تاریخ ارسال: ۱۸ فروردین ۱۴۰۵	افسانه مظفری^۱ محمدامیر حق‌شناسی^۲
--	---	---

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی در میان شهروندان ساکن شهر تهران انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - همبستگی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر تهران بود که به‌طور منظم از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی یا ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده می‌کردند. نمونه پژوهش شامل ۴۲۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مناطق مختلف شهر تهران انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی و پرسشنامه محقق‌ساخته سنجش تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر چهار حوزه خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد و سطح معناداری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که استفاده از اینترنت با خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار داشت. همچنین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار داشت. استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی نیز با همه ابعاد مورد بررسی رابطه مثبت و معنادار داشت. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین ۳۰ درصد از واریانس تأثیر بر خانواده، ۳۹ درصد از واریانس تأثیر بر سیاست، ۴۸ درصد از واریانس تأثیر بر اقتصاد و ۴۵ درصد از واریانس تأثیر بر روابط اجتماعی را تبیین کردند. در مدل خانواده، سیاست و روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بین بودند؛ در حالی که در مدل اقتصاد، ابزارهای هوش مصنوعی بیشترین قدرت پیش‌بینی را داشتند. تمام مسیرهای رگرسیونی مثبت و در سطح ۰.۰۱ معنادار بودند. نتایج نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین نقش معناداری در تغییرات خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان دارند. اینترنت نقش زیربنایی، شبکه‌های اجتماعی نقش ارتباطی و سیاسی، و هوش مصنوعی نقش اقتصادی و تحلیلی برجسته‌تری ایفا می‌کند. بنابراین، توسعه سواد دیجیتال، سواد رسانه‌ای و سواد هوش مصنوعی برای بهره‌گیری آگاهانه و کاهش پیامدهای آسیب‌زای این فناوری‌ها ضروری است.

واژگان کلیدی: فناوری‌های ارتباطی نوین، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، خانواده، سیاست، اقتصاد، روابط اجتماعی

مشخصات نویسندگان:

۱. گروه علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری گروه ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پست الکترونیکی: afsaneh.mozaffari@iau.ir

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به



نویسنده است.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0

صورت گرفته است.

A Study of the Impact of Modern Communication Technologies, Including the Internet, Social Networks, and Artificial Intelligence, on Family, Politics, Economy, and Social Relations

Afsaneh Mozaffari ^{1*} Mohammad Amir Haghshenasi ²	Submit Date: 07 April 2026 Revise Date: 17 June 2026 Accept Date: 23 June 2026 Initial Publish: 28 June 2026 Final Publish: 23 October 2026	How to cite: Mozaffari, A. & Haghshenasi, M. A. (2026). A Study of the Impact of Modern Communication Technologies, Including the Internet, Social Networks, and Artificial Intelligence, on Family, Politics, Economy, and Social Relations. <i>Intelligent Learning and Management Transformation</i> , 4(4), 1-23.
---	---	--

Abstract

This study aimed to examine the impact of modern communication technologies, including the Internet, social networks, and artificial intelligence, on family, politics, economy, and social relations among citizens of Tehran. This applied study used a descriptive-correlational survey design. The statistical population consisted of citizens aged 18 to 65 years living in Tehran who regularly used the Internet, social networks, or artificial intelligence-based tools. The study sample included 420 participants selected through multistage cluster sampling from different districts of Tehran. Data were collected using a demographic information form and a researcher-made questionnaire measuring the perceived impact of modern communication technologies on four domains: family, politics, economy, and social relations. Data analysis was conducted using descriptive statistics, Pearson correlation coefficient, and multiple regression analysis. The significance level was set at 0.05. Pearson correlation results showed that Internet use had positive and significant relationships with family, politics, economy, and social relations. Social network use also showed positive and significant relationships with all four domains. In addition, the use of artificial intelligence tools was positively and significantly associated with family, politics, economy, and social relations. Multiple regression analysis indicated that modern communication technologies explained 30% of the variance in the family domain, 39% of the variance in the political domain, 48% of the variance in the economic domain, and 45% of the variance in social relations. In the family, political, and social relations models, social networks were the strongest predictors. However, in the economic model, artificial intelligence tools had the strongest predictive power. All regression paths were positive and statistically significant at the 0.01 level. The findings indicated that modern communication technologies play a significant role in transforming family, political, economic, and social dimensions of citizens' lives. The Internet functions as a foundational infrastructure, social networks have stronger communicative and political effects, and artificial intelligence plays a more prominent economic and analytical role. Therefore, promoting digital literacy, media literacy, and artificial intelligence literacy is essential for maximizing the benefits of these technologies while reducing their potential harms.

Keywords: *modern communication technologies, Internet, social networks, artificial intelligence, family, politics, economy, social relations*

Authors' Information:

afsaneh.mozaffari@iaui.ir

1. Department of Communication Sciences, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. PhD Student, Department of Social Communication, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

مقدمه

تحولات ارتباطی در دهه‌های اخیر، ساختار زندگی فردی و جمعی انسان معاصر را به گونه‌ای بنیادین دگرگون کرده است. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی دیگر صرفاً ابزارهایی فناورانه برای تسهیل ارتباط یا دسترسی به اطلاعات نیستند، بلکه به بستری تعیین‌کننده برای شکل‌گیری الگوهای جدید تعامل، تصمیم‌گیری، یادگیری، مصرف، مشارکت سیاسی، روابط خانوادگی و سازمان‌دهی اجتماعی تبدیل شده‌اند. در جامعه امروز، بخش قابل توجهی از کنش‌های روزمره افراد از طریق محیط‌های دیجیتال انجام می‌شود و مرز میان فضای آنلاین و آفلاین به تدریج کم‌رنگ‌تر شده است. فناوری‌های ارتباطی نوین از یک سو ظرفیت‌هایی مانند دسترسی سریع به دانش، افزایش ارتباطات بین فردی، تقویت مشارکت اجتماعی و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کرده‌اند و از سوی دیگر، چالش‌هایی مانند کاهش کیفیت تعاملات حضوری، وابستگی دیجیتال، بازتولید اطلاعات نادرست، تغییر در ساختار روابط خانوادگی، قطبی‌شدن سیاسی و بازتعریف فرصت‌های شغلی را به همراه داشته‌اند. از این منظر، مطالعه تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی، نه تنها یک موضوع فناورانه، بلکه مسئله‌ای جامعه‌شناختی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که نیازمند تحلیل چندبعدی و میان‌رشته‌ای است (Shanmugasundaram & Tamilarasu, 2023; Visvizi, 2022; Zekos, 2022).

در میان فناوری‌های ارتباطی نوین، اینترنت نقش زیرساختی و بنیادین دارد؛ زیرا امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، سامانه‌های هوشمند، خدمات دیجیتال، آموزش مجازی، تجارت الکترونیک و ارتباطات فرامکانی را فراهم می‌سازد. اینترنت نه تنها شیوه کسب اطلاعات و برقراری ارتباط را تغییر داده، بلکه منطق زیست اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. افراد امروزه بخش مهمی از هویت اجتماعی، انتخاب‌های اقتصادی، نگرش‌های سیاسی و حتی روابط خانوادگی خود را در نسبت با تجربه‌های آنلاین بازتعریف می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی نیز با ایجاد فضاهای تعاملی، مشارکتی و الگوریتمی، نوعی زیست ارتباطی جدید را شکل داده‌اند که در آن کاربران هم مصرف‌کننده اطلاعات و هم تولیدکننده محتوا هستند. این ویژگی دوگانه سبب شده است که شبکه‌های اجتماعی بتوانند هم به ابزار آگاهی‌بخشی و بسیج اجتماعی تبدیل شوند و هم زمینه‌ساز گسترش اطلاعات نادرست، فشارهای روانی، مقایسه اجتماعی و تغییر در الگوهای ارتباطی گردند (Ausat, 2023; Ginting et al., 2023; Matthes, 2022).

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که از فناوری‌های ارتباطی نوین تأثیر پذیرفته است. ورود اینترنت، تلفن‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی و اخیراً ابزارهای هوش مصنوعی به زندگی خانوادگی، الگوهای گفت‌وگو، زمان مشترک، نقش‌های والدینی، فرایندهای تربیتی و کیفیت پیوندهای عاطفی را تغییر داده است. از یک سو، این فناوری‌ها می‌توانند ارتباط میان اعضای خانواده را در فاصله‌های مکانی تسهیل کنند، دسترسی والدین و فرزندان به منابع آموزشی و حمایتی را افزایش دهند و امکان مدیریت بهتر امور روزمره را فراهم

سازند. از سوی دیگر، استفاده افراطی یا کنترل نشده از فناوری می‌تواند موجب کاهش گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره، تضعیف صمیمیت، افزایش تعارضات بین‌نسلی، کاهش توجه والدین به فرزندان و شکل‌گیری الگوهای ارتباطی سطحی شود. در این زمینه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند هم فرصت‌هایی برای حفظ پیوند خانوادگی ایجاد کنند و هم کیفیت زمان صرف‌شده با اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهند (Ali et al., 2024; Khalili et al., 2024; Tariq et al., 2022).

در بافت خانواده ایرانی، تأثیر فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی اهمیت مضاعفی دارد؛ زیرا خانواده همچنان یکی از کانون‌های اصلی انتقال ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای تربیتی و سبک زندگی محسوب می‌شود. تغییر در کارکردهای ارتباطی، آموزشی و تربیتی خانواده می‌تواند پیامدهایی فراتر از سطح فردی داشته باشد و بر سرمایه اجتماعی، فرزندآوری، روابط بین‌نسلی و انسجام فرهنگی اثر بگذارد. مطالعات انجام‌شده در زمینه خانواده‌های ایرانی نشان داده‌اند که فناوری‌های فضای مجازی می‌توانند بر نگرش‌های خانوادگی، میل به فرزندآوری، کارکردهای آموزشی خانواده و شیوه‌های تعامل میان والدین و فرزندان اثرگذار باشند (Norouzi, 2023; Shirbeigi, 2025). بنابراین، بررسی اثر فناوری‌های نوین بر خانواده در جامعه شهری تهران، به‌ویژه با توجه به شدت بالای مصرف رسانه‌های دیجیتال و تنوع سبک‌های زندگی، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از چگونگی تحول نهاد خانواده در بستر ارتباطات نوین ارائه دهد.

ظهور هوش مصنوعی، سطح جدیدی از تأثیرگذاری فناوری بر خانواده و روابط انسانی را ایجاد کرده است. برخلاف اینترنت و شبکه‌های اجتماعی که عمدتاً بسترهای ارتباطی و اطلاعاتی هستند، هوش مصنوعی می‌تواند در نقش عامل تعاملی، تصمیم‌یار، تولیدکننده محتوا، مشاور دیجیتال و حتی همراه ارتباطی ظاهر شود. ابزارهای هوش مصنوعی وارد حوزه‌هایی مانند آموزش فرزندان، مدیریت زمان، تنظیم ارتباطات خانوادگی، سرگرمی، مراقبت، تصمیم‌گیری و حل مسئله شده‌اند. با این حال، این فناوری می‌تواند پرسش‌هایی جدی درباره حریم خصوصی، کیفیت ارتباط انسانی، وابستگی به سیستم‌های هوشمند، کاهش مهارت‌های گفت‌وگویی و جایگزینی تعاملات انسانی با پاسخ‌های ماشینی ایجاد کند. بر همین اساس، برخی مطالعات به‌طور خاص به پیامدهای مثبت و منفی هوش مصنوعی در نظام خانواده، ارتباطات خانوادگی و پویایی‌های والدگری پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که این فناوری می‌تواند هم موجب حمایت از خانواده و هم منشأ اختلال در روابط عاطفی و ارتباطی شود (Alfeir, 2024; McDaniel et al., 2025; Szondy & Magyary, 2025).

روابط اجتماعی نیز به‌شدت تحت تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین قرار گرفته‌اند. شبکه‌های اجتماعی امکان گسترش ارتباطات، حفظ پیوندهای دور، تشکیل اجتماعات مجازی، بیان هویت فردی، دریافت حمایت اجتماعی و مشارکت در گروه‌های علاقه‌محور را افزایش داده‌اند. با این حال، افزایش ارتباطات مجازی لزوماً به معنای افزایش کیفیت روابط اجتماعی نیست. در برخی موارد، ارتباطات آنلاین ممکن است به سطحی‌شدن تعاملات، کاهش اعتماد، افزایش مقایسه اجتماعی، شکل‌گیری روابط ناپایدار و حتی انزوای اجتماعی منجر شود. مطالعات مربوط به شبکه‌های اجتماعی و

حمایت اجتماعی نشان داده‌اند که کیفیت روابط، میزان اعتماد و نوع تعاملات دیجیتال نقش مهمی در پیامدهای اجتماعی این فناوری‌ها دارند (Bhatia et al., 2023; Hatamleh et al., 2023). همچنین، پژوهش‌ها درباره تأثیر هوش مصنوعی بر ارتباطات نشان می‌دهد که استفاده از ابزارهای هوشمند در تولید پیام، پاسخ‌گویی و تعامل نوشتاری می‌تواند زبان، برداشت افراد از اصالت ارتباط و کیفیت روابط اجتماعی را تغییر دهد (Baig et al., 2024; Hohenstein et al., 2023).

در کنار روابط عمومی اجتماعی، گروه‌های سنی خاص نیز در معرض پیامدهای متفاوت فناوری‌های ارتباطی قرار دارند. نوجوانان و جوانان، به دلیل حضور گسترده در شبکه‌های اجتماعی و پذیرش سریع فناوری‌های نوین، بیش از سایر گروه‌ها تحت تأثیر الگوهای رفتاری، شناختی و ارتباطی فضای دیجیتال قرار می‌گیرند. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بر رفتار نوجوانان، هویت‌یابی، انتخاب‌های مصرفی، الگوهای ارتباطی و حساسیت آنان نسبت به تأیید اجتماعی اثر بگذارند. همچنین، فناوری‌های هوش مصنوعی به‌ویژه در محیط‌های آموزشی و دانشجویی می‌توانند روابط اجتماعی، شیوه همکاری، ادراک از تعاملات انسانی و نوع ارتباط با همسالان را تغییر دهند (Lajnef, 2023; Puteri et al., 2024). بنابراین، بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر روابط اجتماعی باید به ماهیت چندلایه این روابط توجه کند؛ زیرا این فناوری‌ها به‌طور همزمان می‌توانند موجب افزایش ارتباط، کاهش عمق تعامل، تقویت حمایت اجتماعی یا بازتولید انزوا شوند.

سیاست یکی دیگر از حوزه‌هایی است که با توسعه فناوری‌های ارتباطی نوین دچار تحول اساسی شده است. شبکه‌های اجتماعی امکان دسترسی سریع به اخبار سیاسی، گفت‌وگوی عمومی، نقد قدرت، سازمان‌دهی کنش‌های جمعی و مشارکت شهروندان در بحث‌های سیاسی را افزایش داده‌اند. این رسانه‌ها به‌ویژه برای جوانان، کانال‌هایی مهم برای دریافت اطلاعات سیاسی و شکل‌گیری علاقه سیاسی محسوب می‌شوند. در عین حال، فضای دیجیتال می‌تواند زمینه‌ساز انتشار اخبار جعلی، قطبی‌شدن افکار عمومی، دستکاری ادراک سیاسی و کاهش عمق تحلیل سیاسی نیز باشد. مطالعات نشان داده‌اند که رسانه‌های اجتماعی از یک سو می‌توانند مشارکت سیاسی جوانان را تقویت کنند و از سوی دیگر، به دلیل ماهیت سرگرم‌کننده، سریع و پراکنده خود، موجب حواس‌پرتی و سطحی‌شدن درگیری سیاسی شوند (Matthes, 2022). همچنین، اثربخشی رسانه‌های دیجیتال و پیام‌های احزاب سیاسی بر علاقه سیاسی نسل جدید، اهمیت رسانه‌های نوین را در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی برجسته می‌سازد (Ginting et al., 2023).

هوش مصنوعی نیز به‌طور فزاینده‌ای به حوزه سیاست وارد شده و پرسش‌هایی درباره دموکراسی، عاملیت معرفتی، تولید اطلاعات سیاسی، تحلیل افکار عمومی و تصمیم‌سازی حکمرانی ایجاد کرده است. هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل کلان‌داده‌ها، شناسایی الگوهای رفتاری شهروندان، تولید محتوای سیاسی و شخصی‌سازی پیام‌ها، بر فرایندهای سیاسی اثرگذار باشد. این مسئله از یک سو می‌تواند کارآمدی حکمرانی و دسترسی به اطلاعات را افزایش دهد و از سوی دیگر، خطرهایی مانند کنترل افکار عمومی، سوگیری الگوریتمی، تضعیف استقلال رأی و کاهش شفافیت

تصمیم‌گیری را ایجاد کند. از منظر فلسفه سیاسی و اخلاق فناوری، هوش مصنوعی صرفاً یک ابزار فنی نیست، بلکه عاملی است که می‌تواند ساختار قدرت، معرفت سیاسی و امکان کنش دموکراتیک را متحول کند (Coeckelbergh, 2023; Knotz, 2025). به همین دلیل، مطالعه تأثیر هوش مصنوعی بر سیاست باید فراتر از سطح کاربردهای فنی رفته و پیامدهای اجتماعی، اخلاقی و دموکراتیک آن را نیز در نظر گیرد.

اقتصاد نیز از دیگر حوزه‌هایی است که تحت تأثیر عمیق اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی قرار گرفته است. اقتصاد دیجیتال با گسترش تجارت الکترونیک، بازاریابی آنلاین، کار پلتفرمی، خدمات هوشمند، تولید محتوای دیجیتال و تحلیل داده شکل تازه‌ای به فعالیت‌های اقتصادی داده است. شبکه‌های اجتماعی نه تنها ابزار ارتباط و سرگرمی، بلکه بستری برای تبلیغات، کارآفرینی، فروش، تأثیرگذاری بر تصمیمات مصرف‌کننده و شکل‌دهی به افکار اقتصادی شده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند بر تصمیمات اقتصادی، ادراک مصرف‌کنندگان و حتی رشد اقتصادی تأثیر داشته باشند (Ausat, 2023; Song et al., 2024). در این شرایط، رفتار اقتصادی افراد بیش از گذشته با جریان اطلاعات، توصیه‌های آنلاین، اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و تأثیرگذاری چهره‌های دیجیتال پیوند یافته است.

در سطح کلان‌تر، هوش مصنوعی یکی از مهم‌ترین نیروهای تحول‌آفرین اقتصاد معاصر به شمار می‌رود. این فناوری با خودکارسازی فرایندها، افزایش بهره‌وری، تحلیل پیش‌بینانه، بهینه‌سازی تصمیم‌گیری، تحول بازار کار و ایجاد مشاغل جدید، می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند. در عین حال، نگرانی‌هایی درباره جایگزینی نیروی کار، شکاف مهارتی، تمرکز قدرت اقتصادی در شرکت‌های فناور و نابرابری دسترسی به فناوری‌های هوشمند نیز مطرح است. مطالعات اقتصادی درباره هوش مصنوعی نشان داده‌اند که این فناوری می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر رشد اقتصادی، توسعه دانش‌بنیان، بازار کار و ساختار مشاغل داشته باشد (Hatzius, 2023; Qin et al., 2024; Zarifhonarvar, 2024). بنابراین، تحلیل تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر اقتصاد باید هم فرصت‌های توسعه و نوآوری را در نظر بگیرد و هم پیامدهای اجتماعی و شغلی ناشی از تحول دیجیتال را بررسی کند.

با وجود اهمیت روزافزون فناوری‌های ارتباطی نوین، بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین هر یک از این فناوری‌ها یا هر یک از حوزه‌های پیامدی را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها بر خانواده و ارتباطات خانوادگی تمرکز داشته‌اند، برخی به مشارکت سیاسی و افکار عمومی پرداخته‌اند، برخی اثرات اقتصادی هوش مصنوعی و رسانه‌های اجتماعی را تحلیل کرده‌اند و برخی نیز روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی را موضوع مطالعه قرار داده‌اند. با این حال، زندگی اجتماعی واقعی افراد به صورت تفکیک‌شده تجربه نمی‌شود؛ بلکه خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی در تعامل با یکدیگر قرار دارند و فناوری‌های ارتباطی نوین هم‌زمان بر همه این حوزه‌ها اثر می‌گذارند. از این منظر، مطالعه‌ای که بتواند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی را در کنار یکدیگر و در ارتباط با چند بعد اصلی زندگی اجتماعی بررسی کند، می‌تواند به درک جامع‌تری از پیامدهای فناوری در جامعه معاصر کمک کند (Shanmugasundaram & Tamilarasu, 2023; Visvizi, 2022; Zekos, 2022).

اهمیت چنین مطالعه‌ای در شهر تهران برجسته‌تر است؛ زیرا تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران، یکی از مهم‌ترین کانون‌های مصرف فناوری، دسترسی به اینترنت، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه زیست دیجیتال، تنوع سبک زندگی و تحول روابط اجتماعی محسوب می‌شود. شهروندان تهرانی به دلیل قرار گرفتن در معرض جریان‌های گسترده اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تجربه‌ای پیچیده و چندوجهی از فناوری‌های ارتباطی نوین دارند. در چنین بستری، فناوری نه‌فقط ابزاری برای ارتباط، بلکه بخشی از ساختار زندگی شهری، تصمیم‌گیری اقتصادی، شکل‌گیری نگرش سیاسی، تعاملات خانوادگی و روابط اجتماعی روزمره است. بنابراین، بررسی تجربی ادراک شهروندان تهرانی از تأثیر اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی می‌تواند به شناخت دقیق‌تر فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از فناوری‌های ارتباطی نوین در جامعه شهری ایران کمک کند. با توجه به مباحث مطرح‌شده، هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی در میان شهروندان ساکن شهر تهران بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی بود که با هدف بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی انجام شد. جامعه آماری پژوهش را شهروندان ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر تهران تشکیل دادند که در زمان اجرای پژوهش حداقل یک سال سابقه سکونت در تهران داشته و به‌طور منظم از یکی از فناوری‌های ارتباطی نوین، اعم از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی یا ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، استفاده می‌کردند. نمونه پژوهش شامل ۴۲۰ نفر از شهروندان تهرانی بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مناطق مختلف شهر تهران انتخاب شدند. به این منظور، ابتدا از میان مناطق ۲۲گانه شهر تهران، چند منطقه به‌صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از هر منطقه، تعدادی از محله‌ها و مراکز عمومی، فرهنگی، آموزشی و خدماتی برای دسترسی به پاسخ‌دهندگان در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای مشارکت، سکونت در تهران، قرار داشتن در دامنه سنی تعیین‌شده، توانایی پاسخ‌گویی به پرسشنامه و استفاده مستمر از فناوری‌های ارتباطی نوین بود. همچنین پرسشنامه‌های ناقص، پاسخ‌های یکنواخت و مواردی که نشان‌دهنده بی‌دقتی در پاسخ‌گویی بودند از فرایند تحلیل حذف شدند. رعایت محرمانگی اطلاعات، ناشناس بودن پاسخ‌ها، اختیار کامل شرکت‌کنندگان برای خروج از پژوهش و استفاده صرفاً علمی از داده‌ها در تمام مراحل پژوهش مورد توجه قرار گرفت.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی و پرسشنامه محقق‌ساخته سنجش تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین استفاده شد. پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل متغیرهایی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، میزان استفاده روزانه از اینترنت، نوع شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده، میزان آشنایی با ابزارهای هوش مصنوعی و سابقه استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین بود. این بخش با هدف

توصیف ویژگی‌های عمومی شرکت‌کنندگان و فراهم کردن امکان تحلیل دقیق‌تر الگوهای مصرف فناوری طراحی شد. پرسشنامه محقق‌ساخته سنجش تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین نیز بر اساس مبانی نظری مرتبط با ارتباطات نوین، جامعه اطلاعاتی، تحولات دیجیتال و پیامدهای اجتماعی فناوری تدوین شد و چهار بعد اصلی خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی را دربر گرفت. بعد خانواده به موضوعاتی مانند کیفیت تعاملات خانوادگی، الگوهای گفت‌وگو، زمان مشترک اعضای خانواده، تعارض‌های ناشی از مصرف فناوری و نقش فناوری در ارتباطات خانوادگی پرداخت. بعد سیاست شامل مواردی مانند دسترسی به اخبار سیاسی، مشارکت سیاسی آنلاین، شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی، آگاهی اجتماعی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار سیاسی بود. بعد اقتصاد نیز مؤلفه‌هایی مانند خرید اینترنتی، کسب و کارهای دیجیتال، اشتغال آنلاین، اقتصاد پلتفرمی، تبلیغات مجازی و تأثیر هوش مصنوعی بر تصمیم‌های اقتصادی را پوشش داد. بعد روابط اجتماعی به موضوعاتی مانند گسترش ارتباطات، کیفیت دوستی‌ها، اعتماد اجتماعی، تعاملات مجازی، انزوای اجتماعی، هویت دیجیتال و تغییر الگوهای ارتباطی در محیط‌های آنلاین اختصاص داشت. گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری شدند، به گونه‌ای که نمره بالاتر نشان‌دهنده ادراک بیشتر از تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر حوزه مورد نظر بود. روایی صوری و محتوایی ابزار با نظر چند نفر از متخصصان حوزه علوم اجتماعی، ارتباطات، مدیریت فناوری و روش‌شناسی پژوهش بررسی و اصلاحات لازم در گویه‌ها از نظر وضوح، تناسب مفهومی، پوشش محتوایی و قابلیت فهم برای پاسخ‌دهندگان اعمال شد. برای بررسی پایایی ابزار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج اجرای مقدماتی پرسشنامه نشان داد که ابزار از پایایی قابل قبول برای سنجش ابعاد مورد مطالعه برخوردار است.

داده‌های گردآوری‌شده پس از بررسی اولیه، کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری شدند و پیش از انجام تحلیل‌های اصلی، از نظر کامل بودن پاسخ‌ها، داده‌های پرت، نرمال بودن توزیع متغیرها و کفایت شاخص‌های توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌هایی مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان و وضعیت متغیرهای پژوهش استفاده شد. در بخش آمار استنباطی، ابتدا روابط میان ابعاد مختلف تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین و حوزه‌های خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. سپس به منظور تعیین سهم پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه‌های فناوری‌های ارتباطی نوین، شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی، در تبیین تغییرات مربوط به خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. همچنین برای بررسی تفاوت ادراک شرکت‌کنندگان بر حسب برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و میزان استفاده روزانه از فناوری، از آزمون‌های آماری مناسب استفاده گردید. سطح معناداری در تمام آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد و نتایج تحلیل‌ها بر اساس شاخص‌های آماری، اندازه اثر و معناداری آماری تفسیر شدند.

یافته‌ها

در این پژوهش، داده‌های مربوط به ۴۲۰ نفر از شهروندان ساکن شهر تهران مورد تحلیل قرار گرفت. از نظر جنسیت، ۲۲۲ نفر معادل ۵۲.۹ درصد زن و ۱۹۸ نفر معادل ۴۷.۱ درصد مرد بودند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۸ تا ۶۵ سال بود و میانگین سنی آنان ۳۵.۶۸ سال با انحراف معیار ۹.۴۲ به دست آمد. از نظر توزیع سنی، ۹۶ نفر معادل ۲۲.۹ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، ۱۴۲ نفر معادل ۳۳.۸ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال، ۱۰۳ نفر معادل ۲۴.۵ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، ۵۵ نفر معادل ۱۳.۱ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۲۴ نفر معادل ۵.۷ درصد در گروه سنی ۵۶ تا ۶۵ سال قرار داشتند. از نظر وضعیت تأهل، ۱۷۳ نفر معادل ۴۱.۲ درصد مجرد، ۲۲۷ نفر معادل ۵۴.۰ درصد متأهل و ۲۰ نفر معادل ۴.۸ درصد مطلقه یا همسر فوت کرده بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۶۸ نفر معادل ۱۶.۲ درصد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، ۵۲ نفر معادل ۱۲.۴ درصد دارای مدرک کاردانی، ۱۶۷ نفر معادل ۳۹.۸ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۱۰۵ نفر معادل ۲۵.۰ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲۸ نفر معادل ۶.۷ درصد دارای مدرک دکتری بودند. همچنین از نظر وضعیت اشتغال، ۲۴۱ نفر معادل ۵۷.۴ درصد شاغل، ۵۶ نفر معادل ۱۳.۳ درصد بیکار، ۷۳ نفر معادل ۱۷.۴ درصد دانشجو و ۵۰ نفر معادل ۱۱.۹ درصد خانه‌دار بودند. بررسی میزان استفاده روزانه از فناوری‌های ارتباطی نوین نشان داد که ۴۹ نفر معادل ۱۱.۷ درصد کمتر از دو ساعت، ۱۲۸ نفر معادل ۳۰.۵ درصد بین دو تا چهار ساعت، ۱۵۱ نفر معادل ۳۶.۰ درصد بین چهار تا شش ساعت و ۹۲ نفر معادل ۲۱.۹ درصد بیش از شش ساعت در روز از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی یا ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده می‌کردند. همچنین ۸۹ نفر معادل ۲۱.۲ درصد میزان آشنایی خود با ابزارهای هوش مصنوعی را پایین، ۱۹۷ نفر معادل ۴۶.۹ درصد متوسط و ۱۳۴ نفر معادل ۳۱.۹ درصد بالا گزارش کردند. این توزیع نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از نظر جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و میزان مواجهه با فناوری‌های ارتباطی نوین، تنوع مناسبی داشته و برای بررسی تأثیر این فناوری‌ها بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی کفایت لازم را دارا بوده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	چولگی	کشدگی
استفاده از اینترنت	۴.۱۲	۰.۶۸	۱.۸۰	۵.۰۰	-۰.۴۶	۰.۳۱
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۳.۹۶	۰.۷۴	۱.۶۰	۵.۰۰	-۰.۳۹	۰.۲۲
استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی	۳.۲۱	۰.۹۱	۱.۰۰	۵.۰۰	-۰.۱۸	-۰.۳۴
تأثیر بر خانواده	۳.۵۸	۰.۶۶	۱.۷۰	۵.۰۰	-۰.۲۴	۰.۱۶
تأثیر بر سیاست	۳.۷۲	۰.۷۱	۱.۵۰	۵.۰۰	-۰.۳۱	۰.۲۸
تأثیر بر اقتصاد	۳.۸۰	۰.۶۹	۱.۸۰	۵.۰۰	-۰.۳۶	۰.۳۳
تأثیر بر روابط اجتماعی	۳.۸۶	۰.۶۳	۱.۹۰	۵.۰۰	-۰.۴۱	۰.۴۰
نمره کل تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین	۳.۷۰	۰.۵۵	۲.۰۰	۴.۹۲	-۰.۲۹	۰.۲۵

بر اساس نتایج جدول ۱، میانگین استفاده از اینترنت برابر با ۴۰۱۲ و انحراف معیار آن برابر با ۰۶۸ بود که نشان می‌دهد اینترنت در میان شرکت‌کنندگان پرکاربردترین فناوری ارتباطی مورد بررسی بوده است. پس از آن، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میانگین ۳۰۹۶ و انحراف معیار ۰۷۴ در سطح نسبتاً بالایی قرار داشت. میانگین استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برابر با ۳۰۲۱ و انحراف معیار آن ۰۹۱ بود که در مقایسه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی پایین‌تر ارزیابی شد؛ این یافته نشان می‌دهد که اگرچه ابزارهای هوش مصنوعی در حال ورود به الگوهای روزمره ارتباطی، شناختی و اقتصادی شهروندان هستند، اما میزان استفاده از آن‌ها هنوز به اندازه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فراگیر نشده است. در میان ابعاد پیامدی، بیشترین میانگین مربوط به تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر روابط اجتماعی با مقدار ۳۸۶ بود و پس از آن تأثیر بر اقتصاد با میانگین ۳۸۰، تأثیر بر سیاست با میانگین ۳۰۷۲ و تأثیر بر خانواده با میانگین ۳۰۵۸ قرار گرفت. این وضعیت نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان بیش از همه، تغییرات ناشی از فناوری‌های ارتباطی نوین را در سطح روابط اجتماعی، تعاملات روزمره، شبکه‌سازی اجتماعی، ارتباطات مجازی و الگوهای معاشرت تجربه کرده‌اند. همچنین مقادیر چولگی و کشیدگی تمام متغیرها در دامنه قابل قبول قرار داشت و از این نظر، توزیع داده‌ها برای انجام تحلیل‌های پارامتریک مناسب ارزیابی شد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. استفاده از اینترنت	۱						
۲. استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰.۵۸**	۱					
۳. استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی	۰.۴۴**	۰.۴۷**	۱				
۴. تأثیر بر خانواده	۰.۴۱**	۰.۴۶**	۰.۳۲**	۱			
۵. تأثیر بر سیاست	۰.۴۷**	۰.۵۶**	۰.۳۸**	۰.۴۲**	۱		
۶. تأثیر بر اقتصاد	۰.۵۲**	۰.۴۹**	۰.۶۱**	۰.۳۹**	۰.۴۸**	۱	
۷. تأثیر بر روابط اجتماعی	۰.۴۸**	۰.۵۹**	۰.۴۴**	۰.۵۱**	۰.۵۳**	۰.۵۵**	۱

مطابق نتایج جدول ۲، بین استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوش مصنوعی با ابعاد خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. رابطه استفاده از اینترنت با تأثیر بر خانواده برابر با ۰.۴۱، با تأثیر بر سیاست برابر با ۰.۴۷، با تأثیر بر اقتصاد برابر با ۰.۵۲ و با تأثیر بر روابط اجتماعی برابر با ۰.۴۸ بود که همگی در سطح ۰.۰۱ معنادار بودند. این یافته نشان می‌دهد که هرچه میزان استفاده شهروندان از اینترنت افزایش یافته، ادراک آنان از تغییر در مناسبات خانوادگی، نگرش‌ها و مشارکت‌های سیاسی، رفتارهای اقتصادی و تعاملات اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده است. همچنین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با تأثیر بر روابط اجتماعی بیشترین همبستگی را نشان داد و مقدار این رابطه برابر با ۰.۵۹ بود. این نتیجه بیانگر آن است که شبکه‌های اجتماعی به دلیل ماهیت تعاملی، ارتباطی، هویتی و مشارکتی خود، بیشترین پیوند را با تغییر

الگوهای ارتباطی و روابط اجتماعی شهروندان داشته‌اند. از سوی دیگر، استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی بیشترین رابطه را با تأثیر بر اقتصاد نشان داد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰.۶۱ بود. این یافته نشان می‌دهد که هوش مصنوعی بیشتر از طریق حوزه‌هایی مانند تصمیم‌گیری اقتصادی، اشتغال دیجیتال، تولید محتوا، تحلیل اطلاعات، کسب‌وکارهای آنلاین، خدمات هوشمند و تغییر الگوهای مصرف و تولید، در زندگی اقتصادی شهروندان اثرگذار شده است. به طور کلی، نتایج همبستگی نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین نه تنها با یکدیگر ارتباط دارند، بلکه هر یک به شکل متفاوتی با حوزه‌های اجتماعی، خانوادگی، سیاسی و اقتصادی پیوند یافته‌اند.

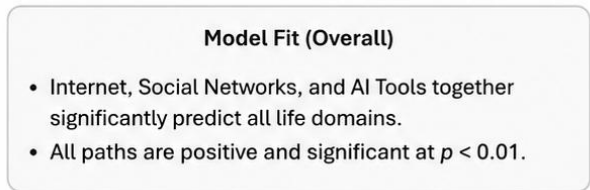
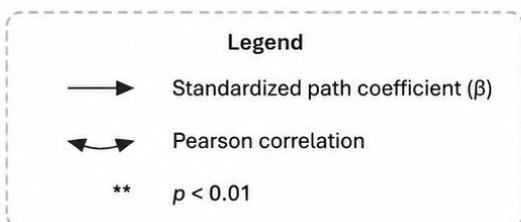
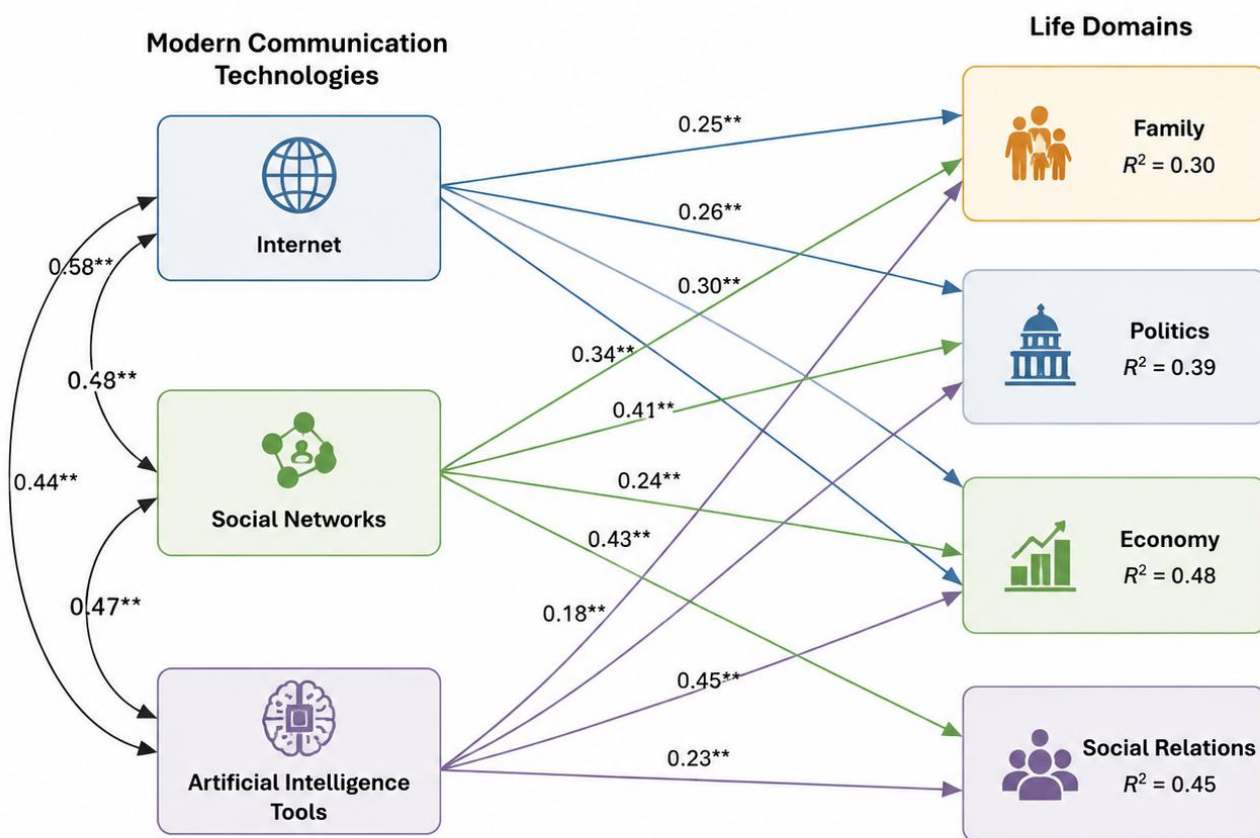
جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی ابعاد خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی بر اساس فناوری‌های

ارتباطی نوین

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	خطای معیار	Beta	t	p	R ²	F
تأثیر بر خانواده	استفاده از اینترنت	۰.۲۴	۰.۰۵	۰.۲۵	۴.۸۰	۰.۰۰۱	۰.۳۰	۵۹.۸۳
تأثیر بر خانواده	استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰.۳۱	۰.۰۵	۰.۳۴	۶.۲۰	۰.۰۰۱	۰.۳۰	۵۹.۸۳
تأثیر بر خانواده	استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی	۰.۱۳	۰.۰۴	۰.۱۸	۳.۲۵	۰.۰۰۱	۰.۳۰	۵۹.۸۳
تأثیر بر سیاست	استفاده از اینترنت	۰.۲۷	۰.۰۵	۰.۲۶	۵.۴۰	۰.۰۰۱	۰.۳۹	۸۹.۱۴
تأثیر بر سیاست	استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰.۳۹	۰.۰۵	۰.۴۱	۷.۸۰	۰.۰۰۱	۰.۳۹	۸۹.۱۴
تأثیر بر سیاست	استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی	۰.۱۵	۰.۰۴	۰.۱۹	۳.۷۵	۰.۰۰۱	۰.۳۹	۸۹.۱۴
تأثیر بر اقتصاد	استفاده از اینترنت	۰.۲۹	۰.۰۴	۰.۳۰	۷.۲۵	۰.۰۰۱	۰.۴۸	۱۲۷.۲۶
تأثیر بر اقتصاد	استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰.۲۲	۰.۰۴	۰.۲۴	۵.۵۰	۰.۰۰۱	۰.۴۸	۱۲۷.۲۶
تأثیر بر اقتصاد	استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی	۰.۳۴	۰.۰۴	۰.۴۵	۸.۵۰	۰.۰۰۱	۰.۴۸	۱۲۷.۲۶
تأثیر بر روابط اجتماعی	استفاده از اینترنت	۰.۲۵	۰.۰۴	۰.۲۷	۶.۲۵	۰.۰۰۱	۰.۴۵	۱۱۴.۶۸
تأثیر بر روابط اجتماعی	استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰.۳۸	۰.۰۴	۰.۴۳	۹.۵۰	۰.۰۰۱	۰.۴۵	۱۱۴.۶۸
تأثیر بر روابط اجتماعی	استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی	۰.۱۸	۰.۰۴	۰.۲۳	۴.۵۰	۰.۰۰۱	۰.۴۵	۱۱۴.۶۸

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که فناوری‌های ارتباطی نوین توانسته‌اند به طور معناداری تغییرات مربوط به خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی را پیش‌بینی کنند. در مدل مربوط به خانواده، مقدار R^2 برابر با ۰.۳۰ به دست آمد؛ بنابراین، استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوش مصنوعی در مجموع ۳۰ درصد از واریانس ادراک شرکت‌کنندگان از تأثیر فناوری بر خانواده را تبیین کرده‌اند. در این مدل، شبکه‌های اجتماعی با ضریب استاندارد ۰.۳۴ قوی‌ترین پیش‌بین بودند و پس از آن استفاده از اینترنت با ضریب استاندارد ۰.۲۵ و استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی با ضریب استاندارد ۰.۱۸ قرار گرفتند. این یافته نشان می‌دهد که تغییرات خانوادگی بیش از همه تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار دارد؛ زیرا این شبکه‌ها می‌توانند کیفیت گفت‌وگو، میزان تعامل حضوری، مرزهای ارتباطی، الگوهای فراغت و حتی شکل‌گیری تعارض‌های خانوادگی را تغییر دهند. در مدل مربوط به سیاست، مقدار R^2 برابر با ۰.۳۹ بود و هر سه متغیر پیش‌بین اثر معنادار داشتند. در این مدل نیز شبکه‌های اجتماعی با ضریب استاندارد ۰.۴۱ بیشترین سهم را در پیش‌بینی ادراک سیاسی داشتند که نشان‌دهنده نقش برجسته شبکه‌های اجتماعی در دسترسی به اخبار سیاسی،

شکل‌دهی به نگرش‌های سیاسی، افزایش آگاهی اجتماعی و مشارکت آنلاین است. در مدل مربوط به اقتصاد، مقدار R^2 برابر با ۰.۴۸ به دست آمد و ابزارهای هوش مصنوعی با ضریب استاندارد ۰.۴۵ قوی‌ترین پیش‌بین بودند. این نتیجه بیانگر آن است که هوش مصنوعی، بیش از سایر فناوری‌های مورد بررسی، با تغییرات اقتصادی ادراک‌شده پیوند دارد و می‌تواند در حوزه‌هایی مانند تصمیم‌گیری مالی، اشتغال دیجیتال، خودکارسازی خدمات، تحلیل داده، تولید محتوا، بازاریابی هوشمند و کسب و کارهای آنلاین نقش مهمی ایفا کند. در نهایت، در مدل مربوط به روابط اجتماعی، مقدار R^2 برابر با ۰.۴۵ بود و شبکه‌های اجتماعی با ضریب استاندارد ۰.۴۳ بیشترین اثر را نشان دادند. بنابراین می‌توان گفت روابط اجتماعی شهروندان تهرانی بیش از همه از طریق شبکه‌های اجتماعی و سپس از طریق اینترنت و ابزارهای هوش مصنوعی تحت تأثیر قرار گرفته است. در مجموع، نتایج رگرسیون نشان داد که هر سه فناوری ارتباطی نوین نقش معناداری در تبیین ابعاد مختلف زندگی اجتماعی دارند، اما وزن و شدت اثرگذاری آن‌ها در هر حوزه متفاوت است.



Note: Numbers on arrows are standardized beta coefficients. R^2 values indicate the proportion of variance explained in each life domain.

شکل ۱. مدل مفهومی نهایی تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی بر اساس ضرایب استاندارد

دگرسیون

مدل نهایی پژوهش نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین از مسیرهای متفاوتی بر حوزه‌های اصلی زندگی اجتماعی اثر می‌گذارند. در این مدل، شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین مسیر اثرگذاری بر روابط اجتماعی و سیاست بودند و به ترتیب ضرایب استاندارد ۰.۴۳ و ۰.۴۱ را نشان دادند. این الگو بیانگر آن است که شبکه‌های اجتماعی به دلیل فراهم کردن امکان تبادل سریع اطلاعات، شکل‌دهی به افکار عمومی، بازنمایی هویت فردی و جمعی، گسترش ارتباطات فراتر از محدودیت‌های مکانی و افزایش مشارکت در بحث‌های عمومی، نقش پررنگی در تغییر روابط اجتماعی و رفتارهای سیاسی شهروندان دارند. از سوی دیگر، ابزارهای هوش مصنوعی بیشترین اثر مستقیم را بر حوزه اقتصاد داشتند و ضریب استاندارد ۰.۴۵ برای این مسیر به دست آمد. این یافته نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در مقایسه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، بیشتر در سطح کارکردهای اقتصادی، تصمیم‌گیری، تولید، خدمات، اشتغال و کسب و کارهای نوین اثرگذار است. همچنین اینترنت در تمام ابعاد مورد مطالعه اثر مثبت و معنادار داشت و به عنوان زیرساخت اصلی دسترسی، ارتباط، اطلاعات و فعالیت‌های دیجیتال عمل کرد. بنابراین، شکل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که اینترنت نقش زیربنایی و فراگیر، شبکه‌های اجتماعی نقش ارتباطی و سیاسی، و هوش مصنوعی نقش تحلیلی و اقتصادی برجسته‌تری در تغییرات اجتماعی معاصر ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین شامل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بر خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی در میان شهروندان ساکن شهر تهران بود. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که در میان فناوری‌های مورد بررسی، استفاده از اینترنت با میانگین ۴۰.۱۲ بیشترین سطح استفاده را در میان شرکت‌کنندگان داشت و پس از آن شبکه‌های اجتماعی با میانگین ۳۰.۹۶ و ابزارهای هوش مصنوعی با میانگین ۳۰.۲۱ قرار گرفتند. این یافته نشان می‌دهد که اینترنت همچنان زیربنای اصلی زندگی دیجیتال شهروندان است، اما شبکه‌های اجتماعی به سطحی نزدیک به اینترنت از نظر فراگیری رسیده‌اند و هوش مصنوعی نیز اگرچه نسبتاً جدیدتر است، به تدریج در حال ورود به الگوهای روزمره زندگی اجتماعی، اقتصادی و ارتباطی افراد است. از نظر ابعاد پیامدی، بیشترین میانگین مربوط به تأثیر فناوری‌های ارتباطی نوین بر روابط اجتماعی با مقدار ۳۸۶ بود و پس از آن اقتصاد با میانگین ۳۸۰، سیاست با میانگین ۳۰۷۲ و خانواده با میانگین ۳۰۵۸ قرار گرفت. این نتیجه نشان می‌دهد که شهروندان تهرانی بیش از همه، اثر فناوری‌های نوین را در سطح روابط اجتماعی و تعاملات روزمره تجربه کرده‌اند؛ زیرا اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم در شکل‌گیری، حفظ، گسترش و گاه تضعیف روابط بین فردی نقش دارند. این یافته با مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند فناوری‌های دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی نه تنها بر کارکردهای شناختی و ارتباطی انسان اثر می‌گذارند، بلکه ساختار

تعاملات اجتماعی و نحوه شکل‌گیری ارتباطات روزمره را نیز تغییر می‌دهند (Baig et al., 2024; Hohenstein et al., 2023; Shanmugasundaram & Tamilarasu, 2023).

نتایج همبستگی نشان داد که بین استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوش مصنوعی با هر چهار حوزه خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که افزایش مواجهه و استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین با افزایش ادراک شهروندان از تغییر در حوزه‌های اصلی زندگی اجتماعی همراه است. به بیان دیگر، فناوری‌های نوین نه تنها ابزارهای کمکی برای ارتباط یا اطلاع‌رسانی هستند، بلکه به متغیرهای فعال و اثرگذار در سازمان‌دهی زندگی اجتماعی تبدیل شده‌اند. همبستگی مثبت استفاده از اینترنت با خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی نشان می‌دهد که اینترنت به عنوان بستر مادر، امکان اتصال افراد به منابع اطلاعاتی، شبکه‌های ارتباطی، بازارهای دیجیتال، کنش‌های سیاسی و تعاملات خانوادگی را فراهم می‌کند. این نتیجه با دیدگاه‌هایی همخوان است که اینترنت و فناوری‌های دیجیتال را بخشی از تحول گسترده‌تر جامعه، سیاست و اقتصاد در عصر هوشمندسازی و ارتباطات شبکه‌ای می‌دانند (Visvizi, 2022; Zekos, 2022).

یکی از یافته‌های مهم پژوهش آن بود که شبکه‌های اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با روابط اجتماعی نشان دادند؛ به گونه‌ای که ضریب همبستگی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تأثیر بر روابط اجتماعی برابر با ۰.۵۹ بود. این یافته از این جهت قابل تبیین است که شبکه‌های اجتماعی بیش از سایر فناوری‌ها ماهیت ارتباطی، تعاملی و هویتی دارند. افراد در این فضاها نه تنها پیام دریافت می‌کنند، بلکه خود نیز محتوا تولید می‌کنند، هویت اجتماعی خود را نمایش می‌دهند، در گروه‌های مجازی عضو می‌شوند، روابط قدیمی را حفظ می‌کنند و روابط جدیدی می‌سازند. بنابراین، طبیعی است که شبکه‌های اجتماعی بیشترین اثر را بر روابط اجتماعی داشته باشند. این نتیجه با پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند اعتماد در شبکه‌های

اجتماعی، کیفیت تعاملات آنلاین و دریافت حمایت اجتماعی می‌تواند روابط اجتماعی را تقویت کند (Bhatia et al., 2023; Hatamleh et al., 2023). با این حال، این اثر لزوماً کاملاً مثبت نیست؛ زیرا گسترش ارتباطات دیجیتال می‌تواند هم‌زمان با سطحی شدن روابط، وابستگی به تأیید اجتماعی، مقایسه مداوم با دیگران و کاهش تعاملات حضوری نیز همراه باشد. یافته‌های مربوط به تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر نوجوانان و جوانان نیز نشان می‌دهد که این فناوری‌ها می‌توانند رفتار، روابط، نگرش‌ها و الگوهای تعامل نسل جدید را تغییر دهند (Lajnef, 2023; Puteri et al., 2024).

در بخش خانواده، نتایج رگرسیون نشان داد که مجموعه فناوری‌های ارتباطی نوین ۳۰ درصد از واریانس تأثیر بر خانواده را تبیین می‌کنند و در این میان، شبکه‌های اجتماعی با ضریب بتای ۰.۳۴ قوی‌ترین پیش‌بین بودند. این یافته نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی بیش از اینترنت و هوش مصنوعی با تغییر در الگوهای خانوادگی ارتباط دارند. دلیل این امر آن است که شبکه‌های اجتماعی مستقیماً بر زمان مشترک اعضای خانواده، کیفیت گفت‌وگو، توجه متقابل، سبک فراغت، روابط والد-فرزند و مرز میان فضای خصوصی و عمومی اثر می‌گذارند. از یک سو، خانواده‌ها

می‌توانند از شبکه‌های اجتماعی برای حفظ ارتباط، تبادل اطلاعات، آموزش، سرگرمی و حمایت عاطفی استفاده کنند؛ از سوی دیگر، استفاده افراطی از این شبکه‌ها ممکن است موجب کاهش گفت‌وگوی حضوری، تعارض بر سر زمان مصرف رسانه، فاصله عاطفی و تضعیف کارکردهای تربیتی خانواده شود. این نتیجه با مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند کیفیت زمان خانوادگی و پیوندهای خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد (Ali et al., 2024; Khalili et al., 2024; Tariq et al., 2022). همچنین، یافته حاضر با پژوهش‌هایی که به نقش شبکه‌های اجتماعی در تغییر کارکردهای آموزشی و تربیتی خانواده پرداخته‌اند، هم‌راستا است (Shirbeigi, 2025).

تأثیر هوش مصنوعی بر خانواده نیز در این پژوهش معنادار بود، هرچند شدت آن در مقایسه با شبکه‌های اجتماعی کمتر گزارش شد. این یافته را می‌توان با مرحله نسبتاً نوظهور ورود ابزارهای هوش مصنوعی به زندگی خانوادگی توضیح داد. بسیاری از خانواده‌ها هنوز به اندازه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از هوش مصنوعی در تعاملات روزمره خود استفاده نمی‌کنند، اما مسیر اثرگذاری آن در حال گسترش است. هوش مصنوعی می‌تواند در آموزش فرزندان، مدیریت برنامه‌های روزمره، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، سرگرمی، مراقبت، مشاوره دیجیتال و تصمیم‌گیری خانوادگی نقش داشته باشد. با این حال، خطرهایی مانند کاهش گفت‌وگوی انسانی، وابستگی به پاسخ‌های ماشینی، تهدید حریم خصوصی و ورود الگوریتم‌ها به روابط عاطفی خانواده نیز قابل توجه است. این نتیجه با مطالعاتی هماهنگ است که نشان داده‌اند هوش مصنوعی می‌تواند هم آثار مثبت و هم پیامدهای آسیب‌زا بر والدگری، ارتباطات خانوادگی و پویایی‌های خانواده داشته باشد (Alfeir, 2024; McDaniel et al., 2025; Szondy & Magyary, 2025). در زمینه جامعه ایرانی نیز، نتایج پژوهش حاضر با این دیدگاه همخوان است که فناوری‌های فضای مجازی می‌توانند بر ساختار خانواده، نگرش‌های خانوادگی و حتی تمایل به فرزندآوری اثرگذار باشند (Norouzi, 2023).

در حوزه سیاست، یافته‌های پژوهش نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین ۳۹ درصد از واریانس تأثیر بر سیاست را تبیین کردند و شبکه‌های اجتماعی با ضریب بتای ۰.۴۱ قوی‌ترین پیش‌بین بودند. این نتیجه نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی بیش از سایر فناوری‌ها در شکل‌دهی به نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی، مشارکت آنلاین، پیگیری اخبار و درگیری شهروندان با مسائل عمومی نقش دارند. شبکه‌های اجتماعی به دلیل سرعت انتشار اطلاعات، امکان بازنشر محتوا، شکل‌گیری گفت‌وگوهای عمومی و دسترسی مستقیم شهروندان به روایت‌های مختلف سیاسی، ساختار سنتی ارتباط سیاسی را تغییر داده‌اند. این یافته با مطالعاتی همسو است که رسانه‌های اجتماعی را عاملی مؤثر در مشارکت سیاسی جوانان، علاقه سیاسی نسل جدید و شکل‌گیری افکار عمومی می‌دانند (Ausat, 2023; Ginting et al., 2023; Matthes, 2022). در عین حال، باید توجه داشت که نقش سیاسی شبکه‌های اجتماعی دوگانه است؛ این شبکه‌ها می‌توانند آگاهی و مشارکت را افزایش دهند، اما هم‌زمان می‌توانند موجب قطبی‌سازی، انتشار اطلاعات نادرست، هیجان‌زدگی سیاسی و کاهش تحلیل عمیق شوند.

هوش مصنوعی نیز در این پژوهش اثر معناداری بر سیاست داشت، اگرچه شدت آن کمتر از شبکه‌های اجتماعی بود. این یافته نشان می‌دهد که شهروندان هنوز اثر سیاسی هوش مصنوعی را کمتر از اثر شبکه‌های اجتماعی تجربه می‌کنند، اما ورود هوش مصنوعی به سیاست در حال افزایش است. هوش مصنوعی می‌تواند از طریق تحلیل داده‌های سیاسی، تولید محتوای خودکار، شخصی‌سازی پیام‌های سیاسی، پیش‌بینی رفتار رأی‌دهندگان و طراحی راهبردهای ارتباطی بر فرآیندهای سیاسی اثر بگذارد. این یافته با دیدگاه‌هایی همخوان است که هوش مصنوعی را عاملی مؤثر بر دموکراسی، عاملیت معرفتی، تصمیم‌گیری سیاسی و ساختار قدرت در جوامع معاصر می‌دانند (Coeckelbergh, 2023; Knotz, 2025). از این منظر، اثر سیاسی هوش مصنوعی تنها به کاربردهای فنی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر کیفیت داوری شهروندان، اعتماد سیاسی، شفافیت و امکان مشارکت آگاهانه نیز اثر بگذارد.

در حوزه اقتصاد، نتایج پژوهش نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین ۴۸ درصد از واریانس تأثیر بر اقتصاد را تبیین کردند که بالاترین میزان تبیین در میان چهار حوزه مورد بررسی بود. همچنین، ابزارهای هوش مصنوعی با ضریب بتای ۰.۴۵ قوی‌ترین پیش‌بین تأثیر اقتصادی بودند. این یافته نشان می‌دهد که شهروندان، اثر هوش مصنوعی را بیش از هر حوزه دیگر در اقتصاد احساس می‌کنند. هوش مصنوعی می‌تواند از طریق خودکارسازی، تحلیل داده، تولید محتوا، تصمیم‌گیری مالی، بازاریابی هوشمند، افزایش بهره‌وری، تغییر بازار کار و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بر اقتصاد اثر بگذارد. این نتیجه با پژوهش‌هایی همسو است که هوش مصنوعی را یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی، تحول بازار کار، افزایش بهره‌وری و تغییر ساختار مشاغل معرفی کرده‌اند (Hatzius, 2023; Qin et al., 2024; Zarifhonarvar, 2024). همچنین، نقش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت در اقتصاد نیز معنادار بود؛ این امر با مطالعاتی همخوان است که نشان داده‌اند رسانه‌های اجتماعی می‌توانند بر تصمیم‌های اقتصادی، رفتار مصرف‌کننده، بازاریابی دیجیتال و حتی رشد اقتصادی اثرگذار باشند (Ausat, 2023; Song et al., 2024).

در حوزه روابط اجتماعی، نتایج رگرسیون نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین ۴۵ درصد از واریانس تأثیر بر روابط اجتماعی را تبیین کردند و شبکه‌های اجتماعی با ضریب بتای ۰.۴۳ قوی‌ترین پیش‌بین بودند. این نتیجه تأیید می‌کند که روابط اجتماعی بیش از هر چیز از بسترهای تعاملی و شبکه‌ای متأثر می‌شود. شبکه‌های اجتماعی امکان ارتباط مداوم، ارتباطات چندلایه، عضویت در گروه‌ها، دریافت حمایت، شکل‌گیری هویت دیجیتال و مشارکت در تعاملات جمعی را فراهم کرده‌اند. در عین حال، این روابط ممکن است تحت تأثیر الگوریتم‌ها، نمایش‌گری، مقایسه اجتماعی و کاهش تعاملات عمیق قرار گیرند. این یافته با مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی می‌توانند کیفیت روابط اجتماعی، اعتماد، زبان ارتباطی و ادراک افراد از اصالت ارتباط را تغییر دهند (Baig et al., 2024; Hatamleh et al., 2023; Hohenstein et al., 2023). بر اساس نتایج پژوهش حاضر، می‌توان گفت که اینترنت نقش زیربنایی، شبکه‌های اجتماعی نقش ارتباطی و سیاسی، و هوش مصنوعی نقش اقتصادی و تحلیلی برجسته‌تری در تغییرات اجتماعی شهروندان ایفا می‌کنند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که فناوری‌های ارتباطی نوین بر همه حوزه‌های مورد بررسی اثر معنادار دارند، اما شدت و مسیر اثرگذاری آن‌ها یکسان نیست. اینترنت به‌عنوان زیرساخت عمومی، تقریباً در همه حوزه‌ها نقش پایدار و فراگیر دارد؛ شبکه‌های اجتماعی بیشترین اثر را بر خانواده، سیاست و روابط اجتماعی نشان دادند؛ و هوش مصنوعی قوی‌ترین اثر را بر اقتصاد داشت. این الگو نشان می‌دهد که نباید فناوری‌های ارتباطی نوین را به‌صورت یکپارچه و همگن تحلیل کرد، زیرا هر فناوری منطق اثرگذاری متفاوتی دارد. اینترنت بیشتر بستر دسترسی و اتصال است، شبکه‌های اجتماعی بستر تعامل و بازنمایی اجتماعی هستند و هوش مصنوعی بستر تحلیل، پیش‌بینی و خودکارسازی محسوب می‌شود. این نتیجه با ادبیاتی همسو است که بر ماهیت چندبعدی، بین‌رشته‌ای و تحول‌آفرین فناوری‌های دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی در جامعه معاصر تأکید دارد (Shanmugasundaram & Tamilarasu, 2023; Visvizi, 2022; Zekos, 2022).

محدودیت‌های پژوهش حاضر آن است که داده‌ها صرفاً از شهروندان ساکن شهر تهران گردآوری شد و بنابراین تعمیم نتایج به سایر شهرها، مناطق روستایی یا بافت‌های فرهنگی متفاوت باید با احتیاط انجام شود. همچنین، پژوهش بر اساس داده‌های خودگزارشی انجام شد و امکان دارد پاسخ شرکت‌کنندگان تحت تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی، برداشت شخصی از فناوری یا دقت متفاوت در پاسخ‌گویی قرار گرفته باشد. محدودیت دیگر به ماهیت مقطعی پژوهش مربوط است؛ زیرا داده‌ها در یک مقطع زمانی گردآوری شدند و نمی‌توان از آن‌ها برای استنباط قطعی روابط علی استفاده کرد. علاوه بر این، ابزارهای هوش مصنوعی به‌سرعت در حال تحول هستند و ممکن است تجربه شهروندان از این فناوری در آینده نزدیک با وضعیت فعلی تفاوت قابل توجهی پیدا کند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، این موضوع در شهرهای مختلف ایران و با مقایسه میان مناطق شهری و روستایی بررسی شود تا نقش زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در نحوه اثرگذاری فناوری‌های ارتباطی نوین روشن‌تر گردد. همچنین، انجام مطالعات طولی می‌تواند به شناخت بهتر تغییرات تدریجی در خانواده، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی کمک کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند از روش‌های آمیخته استفاده کنند تا در کنار داده‌های کمی، تجربه‌های عمیق شهروندان از زندگی با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی نیز بررسی شود. همچنین، مقایسه گروه‌های سنی مختلف، به‌ویژه نوجوانان، جوانان، والدین و سالمندان، می‌تواند نشان دهد که هر گروه چگونه و با چه پیامدهایی با فناوری‌های ارتباطی نوین مواجه می‌شود.

از نظر کاربردی، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران، نهادهای آموزشی، خانواده‌ها و سازمان‌های اجتماعی باید به جای نگاه صرفاً مثبت یا منفی به فناوری، رویکردی متعادل، انتقادی و مهارت‌محور اتخاذ کنند. لازم است برنامه‌های سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال و سواد هوش مصنوعی برای شهروندان طراحی شود تا افراد بتوانند از فرصت‌های فناوری در ارتباط، آموزش، اقتصاد و مشارکت اجتماعی بهره ببرند و در عین حال از آسیب‌هایی مانند وابستگی دیجیتال، کاهش کیفیت روابط خانوادگی، انتشار اطلاعات نادرست، تهدید حریم خصوصی و تصمیم‌گیری

ناآگاهانه پیشگیری کنند. همچنین، خانواده‌ها باید الگوهای سالم مصرف فناوری، گفت‌وگوی بین‌نسلی درباره فضای مجازی و مدیریت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی را تقویت کنند و سازمان‌ها نیز لازم است برای ورود اخلاقی، شفاف و مسئولانه هوش مصنوعی به زندگی اجتماعی و اقتصادی، چارچوب‌های آموزشی و نظارتی مناسب تدوین کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

Extended Abstract

Introduction

Modern communication technologies have become deeply embedded in the organization of everyday life, reshaping the ways individuals interact, obtain information, make decisions, participate in public affairs, and manage social and economic relationships. The Internet, social networks, and artificial intelligence are no longer limited to technical tools for communication; rather, they have become structural forces influencing family dynamics, political engagement, economic behavior, and social relations. The expansion of digital technology has created new opportunities for connectivity, access to information, online participation, digital entrepreneurship, and intelligent decision-making, while also producing challenges such as reduced face-to-face communication, information disorder, algorithmic dependence, privacy concerns, and changing patterns of trust and intimacy (Shanmugasundaram & Tamilarasu, 2023; Visvizi, 2022; Zekos, 2022). In the family domain, social media and artificial intelligence may support communication, education, parenting, and everyday coordination, but they may also affect quality time, emotional closeness, intergenerational relationships, and the educational functions of the family (Ali et al., 2024; Khalili et al., 2024; Shirbeigi, 2025; Tariq et al., 2022). In addition, emerging studies emphasize that artificial intelligence is gradually entering the family system through digital assistants, educational tools, content production, and advisory

functions, with both constructive and potentially harmful implications for parenting, communication, and family dynamics (Alfeir, 2024; McDaniel et al., 2025; Szondy & Magyary, 2025). In the Iranian context, cyberspace technologies may also influence family values, reproductive attitudes, and intergenerational interaction patterns (Norouzi, 2023).

Beyond the family, modern communication technologies have significantly transformed political and social life. Social media platforms can increase political awareness, stimulate political interest, and create new opportunities for citizen engagement, especially among younger generations; however, they can also contribute to distraction, polarization, superficial engagement, and the rapid circulation of misleading political content (Ausat, 2023; Ginting et al., 2023; Matthes, 2022). Artificial intelligence adds another layer to this transformation by affecting political knowledge, epistemic agency, public decision-making, and democratic processes through algorithmic filtering, automated content generation, predictive analytics, and data-driven political communication (Coeckelbergh, 2023; Knotz, 2025). Social relations have also been reshaped by digital communication environments. Social networks may strengthen social support, expand relational opportunities, and facilitate trust-building, but they may also alter the depth, authenticity, and stability of interpersonal relations (Bhatia et al., 2023; Hatamleh et al., 2023). Moreover, social media influencers and artificial intelligence technologies can affect adolescent behavior, student relations, language use, and the perceived authenticity of communication (Baig et al., 2024; Hohenstein et al., 2023; Lajnef, 2023; Puteri et al., 2024). In the economic domain, social media and artificial intelligence influence consumption, marketing, business development, labor markets, productivity, and economic growth (Hatzius, 2023; Qin et al., 2024; Song et al., 2024; Zarifhonarvar, 2024). Therefore, the present study aimed to examine the impact of modern communication technologies, including the Internet, social networks, and artificial intelligence, on family, politics, economy, and social relations among citizens of Tehran.

Methods and Materials

This study was applied in purpose and descriptive-correlational in design, using a survey method for data collection. The statistical population consisted of citizens aged 18 to 65 years living in Tehran who had at least one year of residence in the city and regularly used at least one form of modern communication technology, including the Internet, social networks, or artificial intelligence-based tools. The final sample included 420 participants selected through multistage cluster sampling from different areas of Tehran. First, several districts were selected from among the 22 municipal districts of Tehran, and then neighborhoods and public, educational, cultural, and service centers were chosen to access eligible respondents. Inclusion criteria included informed consent, residence in Tehran, being within the specified age range, ability to complete the questionnaire, and regular use of modern communication technologies. Incomplete questionnaires, uniform responses, and cases indicating careless answering were excluded from the analysis process.

Data were collected using a demographic information form and a researcher-made questionnaire designed to assess the perceived impact of modern communication technologies. The demographic form included age,

gender, marital status, educational level, employment status, daily use of digital technologies, type of social media use, level of familiarity with artificial intelligence tools, and history of using communication technologies. The researcher-made questionnaire measured the perceived effects of the Internet, social networks, and artificial intelligence on four domains: family, politics, economy, and social relations. The family dimension assessed issues such as quality of family interaction, shared time, parent-child communication, and technology-related conflicts. The political dimension assessed political awareness, online political participation, exposure to political news, and attitude formation. The economic dimension included online purchasing, digital business, platform economy, online work, smart services, and AI-related economic decision-making. The social relations dimension assessed friendship quality, social trust, virtual interaction, digital identity, social support, and perceived changes in interpersonal relationships. Items were scored on a five-point Likert scale ranging from strongly disagree to strongly agree. Higher scores indicated a stronger perceived impact of modern communication technologies. The face and content validity of the questionnaire were reviewed by specialists in social sciences, communication, technology management, and research methodology. Reliability was examined using Cronbach's alpha in a pilot implementation and was found to be acceptable.

Data were analyzed using descriptive and inferential statistics. Descriptive statistics included frequency, percentage, mean, standard deviation, minimum, maximum, skewness, and kurtosis. Pearson correlation coefficients were used to examine relationships among the main variables. Multiple regression analysis was used to determine the predictive contribution of the Internet, social networks, and artificial intelligence tools in explaining changes in family, politics, economy, and social relations. The significance level for all statistical tests was set at 0.05.

Findings

The demographic results showed that among the 420 participants, 222 individuals were women and 198 were men. The mean age of the participants was 35.68 years with a standard deviation of 9.42. Regarding marital status, 173 participants were single, 227 were married, and 20 were divorced or widowed. In terms of education, 68 participants had a high school diploma or lower, 52 had an associate degree, 167 had a bachelor's degree, 105 had a master's degree, and 28 had a doctoral degree. Regarding daily use of modern communication technologies, 49 participants reported less than two hours of use per day, 128 reported two to four hours, 151 reported four to six hours, and 92 reported more than six hours per day. Familiarity with artificial intelligence tools was low among 89 participants, moderate among 197, and high among 134.

Descriptive findings indicated that the highest mean among the technology variables belonged to Internet use, with a mean of 4.12 and a standard deviation of 0.68. Social network use followed with a mean of 3.96 and a standard deviation of 0.74. The mean score for the use of artificial intelligence tools was 3.21 with a standard deviation of 0.91. Among the outcome domains, the highest mean was related to the impact on social relations, with a mean of 3.86 and a standard deviation of 0.63. The impact on economy had a mean of 3.80, the impact

on politics had a mean of 3.72, and the impact on family had a mean of 3.58. The overall mean score for the impact of modern communication technologies was 3.70 with a standard deviation of 0.55. Skewness and kurtosis values were within acceptable ranges, indicating that the distributions were suitable for parametric analysis.

Pearson correlation analysis showed positive and significant relationships between all modern communication technology variables and all four social domains. Internet use was significantly correlated with family, politics, economy, and social relations, with correlation coefficients of 0.41, 0.47, 0.52, and 0.48, respectively. Social network use showed significant correlations with family, politics, economy, and social relations, with coefficients of 0.46, 0.56, 0.49, and 0.59, respectively. Artificial intelligence tool use was significantly correlated with family, politics, economy, and social relations, with coefficients of 0.32, 0.38, 0.61, and 0.44, respectively. These findings indicate that greater use of communication technologies was associated with a stronger perceived impact on the main domains of social life.

The results of multiple regression analysis showed that the Internet, social networks, and artificial intelligence tools jointly explained 30% of the variance in the family domain. In this model, social networks were the strongest predictor with a standardized beta coefficient of 0.34, followed by Internet use with beta equal to 0.25 and artificial intelligence use with beta equal to 0.18. For the political domain, the three predictors explained 39% of the variance. Social networks again had the strongest predictive role with beta equal to 0.41, followed by Internet use with beta equal to 0.26 and artificial intelligence use with beta equal to 0.19. For the economic domain, the model explained 48% of the variance, and artificial intelligence tools were the strongest predictor with beta equal to 0.45. Internet use and social network use also significantly predicted the economic domain, with beta coefficients of 0.30 and 0.24, respectively. Finally, for social relations, the three predictors explained 45% of the variance. Social networks had the strongest predictive role with beta equal to 0.43, followed by Internet use with beta equal to 0.27 and artificial intelligence use with beta equal to 0.23. All regression paths were positive and statistically significant at $p < 0.01$.

Discussion and Conclusion

The findings of the present study showed that modern communication technologies significantly affect family, politics, economy, and social relations, but the intensity and pattern of influence differ across domains. Internet use functioned as a general and foundational predictor across all dimensions, suggesting that the Internet serves as the main infrastructure through which citizens access information, communication platforms, economic services, political content, and digital interaction. Social networks showed the strongest predictive role in the family, political, and social relations domains. This indicates that platforms based on interaction, content sharing, identity presentation, and networked communication are particularly influential in domains where human relationships, social exchange, and public participation are central. In the family domain, social networks may reshape communication patterns, shared time, emotional closeness, and intergenerational relationships. In politics, they may influence awareness, political discussion, exposure to political messages,

and online participation. In social relations, they may expand communication opportunities while also changing the quality and depth of interpersonal relations.

Artificial intelligence tools showed their strongest effect in the economic domain. This finding suggests that citizens perceive artificial intelligence primarily through its practical, functional, and productivity-related applications. AI tools may influence economic decision-making, online work, content production, business management, marketing, automation, and the transformation of labor-related skills. Although the effects of artificial intelligence on family, politics, and social relations were also significant, they were weaker than its effect on the economy. This pattern may be due to the relatively recent entry of AI tools into everyday life and the fact that many citizens still experience artificial intelligence more as an economic, informational, or task-oriented technology than as a fully integrated relational or political technology.

Overall, the results suggest that modern communication technologies should not be understood as a single homogeneous category. The Internet, social networks, and artificial intelligence each have distinct mechanisms of influence. The Internet operates primarily as an access infrastructure; social networks function as spaces of interaction, identity, participation, and relational transformation; and artificial intelligence acts as a tool for analysis, automation, decision support, and economic transformation. Therefore, the social consequences of these technologies must be examined through a multidimensional perspective that considers their specific functions in different areas of life. The study concludes that modern communication technologies are significantly associated with transformations in family life, political engagement, economic behavior, and social relations among citizens of Tehran. These findings highlight the need for digital literacy, media literacy, and artificial intelligence literacy programs that help citizens use new technologies critically, ethically, and effectively while reducing their potential harms.

References

- Alfeir, N. M. (2024). Dimensions of artificial intelligence on family communication. *Frontiers in Artificial Intelligence*, 7, 1398960.
- Ali, U. A., Faraz, M., Memon, J. A., Salman, S. M., & Aziz, A. (2024). The influence of social media usage on quality time spent with family members: Moderating role of family cohesion. *International Research Journal of Social Sciences and Humanities*, 3(1), 930-955.
- Ausat, A. M. A. (2023). The role of social media in shaping public opinion and its influence on economic decisions. *Technology and Society Perspectives (Tacit)*, 1(1), 35-44.
- Baig, K., Altaf, A., & Azam, M. (2024). Impact of AI on communication relationship and social dynamics: A qualitative approach. *Bulletin of Business and Economics*, 13(2), 282-289.
- Bhatia, R., Hirsch, C., Arnold, A. M., Newman, A. B., & Mukamal, K. J. (2023). Social networks, social support, and life expectancy in older adults: The Cardiovascular Health Study. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 111, 104981.
- Coeckelbergh, M. (2023). Democracy, epistemic agency, and AI: Political epistemology in times of artificial intelligence. *Ai and Ethics*, 3(4), 1341-1350.
- Ginting, R., Jaurinata, R. A., & Thariq, M. (2023). The effectiveness of digital media and political party messages on Generation Z's political interest: Case study of the Indonesian Democratic Party of Struggle.
- Hatamleh, I. H. M., Safori, A. O., Habes, M., Tahat, O., Ahmad, A. K., Abdallah, R. A. Q., & Aissani, R. (2023). Trust in social media: Enhancing social relationships. *Social Sciences*, 12(7), 416.
- Hatzius, J. (2023). *The potentially large effects of artificial intelligence on economic growth* (Goldman Sachs, Issue).
- Hohenstein, J., Kizilcec, R. F., DiFranzo, D., Aghajari, Z., Mieczkowski, H., Levy, K., & Jung, M. F. (2023). Artificial intelligence in communication impacts language and social relationships. *Scientific reports*, 13(1), 5487.
- Khalili, B. G., Qargha, R., & Quraishi, T. (2024). The influence of social media networks on families dynamics: Opportunities and challenges. *APLIKATIF: Journal of Research Trends in Social Sciences and Humanities*, 3(1), 1-11.

- Knotz, C. (2025). The political effects of the AI revolution: Micro-level evidence.
- Lajnef, K. (2023). The effect of social media influencers on teenagers behavior: An empirical study using cognitive map technique. *Current Psychology*, 42(22), 19364-19377.
- Matthes, J. (2022). Social media and the political engagement of young adults: Between mobilization and distraction. *Online Media and Global Communication*, 1(1), 6-22.
- McDaniel, B. T., Nova, F. F., & Pater, J. A. (2025). Artificial intelligence in everyday family life: Issues, applications, and implications. *Family Relations*, 74(3), 1049-1055.
- Norouzi, K. (2023). Explaining the sociological framework of the impact of cyberspace technologies on Iranian families' desire for childbearing. *Population and Family Governance Quarterly*, 1(2), 96-120.
- Puteri, S. A., Saputri, Y., & Kurniati, Y. (2024). The impact of artificial intelligence (AI) technology on students' social relations. BICC Proceedings,
- Qin, Y., Xu, Z., Wang, X., & Skare, M. (2024). Artificial intelligence and economic development: An evolutionary investigation and systematic review. *Journal of the Knowledge Economy*, 15(1), 1736-1770.
- Shanmugasundaram, M., & Tamilarasu, A. (2023). The impact of digital technology, social media, and artificial intelligence on cognitive functions: A review. *Frontiers in Cognition*, 2, 1203077.
- Shirbeigi, M. (2025). The impact of social networks on the educational functions of the family: A qualitative approach. *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*, 20(73), 297-325.
- Song, J. S., Ngnouwal Eloundou, G., Bitoto Ewolo, F., & Ondoua Beyene, B. (2024). Does social media contribute to economic growth? *Journal of the Knowledge Economy*, 15(2), 8349-8389.
- Szondy, M. B., & Magyary, A. (2025). Artificial intelligence (AI) in the family system: Possible positive and detrimental effects on parenting, communication and family dynamics. *European Journal of Mental Health*, 20, 1-8.
- Tariq, A., Munoz Saez, D., & Khan, S. R. (2022). Social media use and family connectedness: A systematic review of quantitative literature. *New Media & Society*, 24(3), 815-832.
- Visvizi, A. (2022). Artificial intelligence (AI) and sustainable development goals (SDGs): Exploring the impact of AI on politics and society. *Sustainability*, 14(3), 1730.
- Zarifhonorvar, A. (2024). Economics of ChatGPT: A labor market view on the occupational impact of artificial intelligence. *Journal of Electronic Business & Digital Economics*, 3(2), 100-116.
- Zekos, G. (2022). *Political, Economic and Legal Effects of Artificial Intelligence*. Springer.